گزارش کوتاه

مجلهٔ دانشگاه علوم پزشکی بابل
دوره هجدهم، شماره ۲، بهمن ۱۳۹۴، صفحه ۶۸-۶۴

مسئولیت پزشک در فقه و حقوق ایران

سید مهدی احمدی (PhD)[۱]، محمد مس‌کار (MA)*[۲]، محمد نرگسیان (MA)[۳]

۱-گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری
۲-گروه حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی
۳-گروه فقه و حقوق جزا، دانشگاه خوارزمی تهران

دریافت: ۹۴/۵/۱۱، اصلاح:۹۴/۷/۶، پذیرش:۹۴/۱۰/۱۶

خلاصه

سابقه و هدف: نعمت حیات از مهمترین نعمات الهی است و به هنگامی که این نعمت در معرض خطر قرار می‌گیرد علم پزشکی و پزشک پا به عرصه می‌گذارند اما گاهی اوقات پزشک علیرغم تلاش خود در راستای درمان بیمار موجب آسیب یا مرگ او می‌گردد. از آنجائیکه در خصوص مسئولیت پزشک و چگونگی آن اختلاف نظر وجود دارد، فقه امامیه و حقوق موضوعه به این مساله پرداخته است. لذا این مطالعه به منظور بررسی مسئولیت پزشک و تاثیر اخذ رضایت و برائت در درمان بیمار در این موارد انجام شده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه کیفی با استفاده از روش کتابخانه ای دیدگاه‌های فقها و حقوقدانان در زمینه مسئولیت پزشک و همچنین تاثیر اخذ رضایت و برائت در درمان بیمار مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: پزشکی که در معالجات خود کوتاهی کند بنا به اجماع فقها دارای مسئولیت می‌باشد اما اگر اقدام پزشک با وجود اذن در معالجه و رعایت کلیه موازین تخصصی، اتفاقاً موجب فوت شود، مشهور فقها قائل به مسئولیت پزشک نمی‌باشند. مطابق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز پزشکی که با رعایت نظامات دولتی و اذن بیمار یا نماینده قانونی او اقدام به عمل جراحی کند و موجب آسیب او شود مسئولیتی ندارد جز اینکه مرتکب تقصیر شود.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این مطالعه، پزشکی که از بیمار یا نماینده قانونی رضایت و برائت اخذ کرده باشد مبرا از مسئولیت است، در غیر اینصورت دارای مسئولیت خواهد بود. لذا مسولیتی که برای ضمان پزشک مقرر شده از نوع تعهد به وسیله بوده و در صورت احراز تقصیر، مسئول قلمداد می شود.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت پزشک، قانون مجازات اسلامی، تقصیر، تحصیل برائت، رضایت بیمار.

مقدمه

حیات موجودات زنده از جمله انسانها همیشه محترم و مورد توجه بوده است. خداوند حیات را به انسانها عطا کرده و اوست که اختیار سلب زندگی و پایان حیات را دارد. در همین راستا شارع مقدس اسلام نیز با وضع قوانین منصفانه و عادلانه در صدد جبران خسارت های احتمالی به حیات انسان برآمده است. پزشکی که از روی ضرورت و حسن نیت و به قصد بهبود، موجبات آسیب یا مرگ بیمار را فراهم آورد، مشمول قوانین مزبور می‌گردد. اقدامات درمانی که توسط پزشک صورت می‌گیرد، در واقع نوعی تصرف در نفس دیگری است که جواز مشروعیت این نوع مداخله متوقف بر وجود شرایطی است که قانونگذار در موارد مختلف قانونی و شرعی متعرض آن شده است. خوشبختانه در سال های اخیر با توسعه چشمگیر مراکز بهداشت، درمان و امور پزشکی حوزه ارائه خدمات تشخیصی و درمانی در کشور گسترش چشمگیری داشته است (۱). این روند لزوم تعریف دقیق و جامعی را در خصوص مسئولیت پزشک در قوانین ایران و همچنین بررسی فقهی موضوع با توجه به دیدگاه‌های مختلفی که در نظام فقهی شیعه وجود دارد می‌طلبد.

مواد و روش‌ها

در این مطالعه نگارندگان با بررسی موضوع در حوزه های فقه، پزشکی و حقوق و با استفاده از روش کتابخانه‌ای نسبت به تحلیل مسائل مربوطه پرداختند تا با توجه به مبتلابه بودن موضوع مسئولیت پزشک و ضرورت تبیین آن با عنایت به قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بتوانند نظر مناسبی در جهت موضوع مذکور ارائه نمایند.

یافته ها

حقوقدانان اسلامی درباره مسئولیت پزشکی که در معالجات خود کوتاهی کرده است، هر چند بیمار اذن در معالجه داده باشد، ادعای اجماع کرده‌اند اما درباره مسئولیت طبیبی که با وجود اذن در معالجه و رعایت کلیه موازین تخصصی اقدام وی اتفاقاً موجب صدمه یا فوت شده است، اختلاف نظر دارند (۱). برای روشن شدن و رفع ابهام از واژه‌ها بهتر است قبل از ورود به بحث، تعاریفی از اذن، اجازه و برائت ارائه شود.

* مسئول مقاله: محمد مس‌کار
آدرس: تهران، ولنجک، دانشگاه شهید بهشتی. تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۸۰۰۸
E-mail: mohammadmeskar@yahoo.com

[DOR: 20.1001.1.15614107.1394.18.2.9.1]
[DOI: 10.22088/jbums.18.2.64]

اذن: اذن اعلام رضای مالک (یا نماینده قانونی او) یا رضای کسی است که قانون برای رضای او، جهت انجام دادن یک عمل حقوقی، اثری قائل شده است. اذن همیشه در مورد فعل یا عملی می‌باشد که هنوز واقع نشده است (۳و۲) مثلاً اقدام جراح در باز کردن شکم جهت معالجه، بدون اذن بیمار مجاز نیست و در حکم حرج عمومی محسوب می‌شود و ممنوع است؛ ولی اذن بیمار موجب می شود پزشک بتواند اقدام به عمل نماید.

اجازه: اظهار رضایت شخصی است که قانون رضای او را شرط تاثیر عقد یا ایقاعی دانسته که از دیگری صادر شده است مشروط بر اینکه رضایت مزبور بعد از صدور عقد یا ایقاع مذکور صادر شود، اگر پیش از آن صادر شود آن را اصطلاحا اذن می‌نامند (۳). بنابراین اگر بعد از انجام عملی، شخص بدان رضایت دهد، این اعلام رضایت را اجازه گویند. اجازه موجب از بین رفتن مسئولیت نیست، بلکه موجب تخفیف مجازات است.

برائت: خالی بودن ذمه شخص معین را از تعهد «برائت» گویند؛ خواه اساساً ذمه شخص در مقابل شخص معین دیگری، از اول مشغول نبوده باشد، یا مشغول بوده و فارغ شده باشد. مثلاً اگر مریضی که اذن جراحی را به پزشک داده، بگوید که اگر در اثر درمان فوت نمایم یا مصدوم شوم، هیچگونه مسئولیتی متوجه پزشک نخواهد بود و پزشک هم با توجه به این امر و شرط، درمان او را قبول کند، در صورت بروز صدمه یا نقص عضو یا حتی مرگ و احراز رعایت موازین فنی، علمی و شرایط مندرج در ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (۴) مسئولیتی متوجه پزشک نخواهد بود. به عبارت دیگر، اذن مربوط به رضایت برای عمل است و برائت مربوط به نتیجه عمل می باشد.

در میان فقها Ibn Idris در فرضی که اقدام پزشک، با وجود اذن در معالجه و رعایت کلیه موازین تخصصی اتفاقاً موجب صدمه یا فوت گردد، معتقد به عدم ضمان پزشک می‌باشد زیرا طبیب شرعاً موظف به درمان بیمار بوده و متعهد به حصول بهبودی بیمار نشده بلکه او باید سعی لازم را در حدود متعارف به منظور معالجه بیمار معمول دارد (۵). در غیر این صورت مسئول شمردن طبیب موجب امتناع پزشکان از درمان می گردد. همچنین پزشک با اقدامات درمانی خود به بیمار احسان و نیکی می‌کند و نیکوکار را نمی‌توان مسئول شمرد؛ «و ما علی المحسنین من سبیل» و «هل جزاء الاحسان الا الاحسان». بنابراین پزشک به دلیل داشتن اذن و مشروع بودن عمل طبابت مسئول نمی‌باشد (۵). در مقابل به موجب نظر مشهور فقها، پزشک در فوت یا نقص عضو بیمار مسئول است زیرا این امر ناشی از عمل اوست. این گروه در برابر دلایل قائلان به عدم ضمان پزشک چنین استدلال کرده‌اند که اذن در معالجه و درمان است نه در فوت یا نقص عضو بیمار؛ از این رو اذن موجب از بین رفتن مسئولیت نمی‌شود. درخصوص این نظر بدون توجه به نظر Ibn Idris ادعای اجماع شده است (۶).

قانونگذار نیز به پیروی از نظر مشهور فقها، در صورتی که پزشک خود اقدام به درمان بیمار کرده باشد، او را مسئول پرداخت دیه فوت یا نقص عضو حاصل از درمان می‌داند (۷). اما اگر پزشک خود اقدام به معالجه ننماید، مانند آن که به بیمار بگوید: «به نظر من این دارو برای تو مفید است» یا «اگر من دچار بیماری می‌شدم چنین عمل می کردم» بدون این که بیمار را امر به استعمال دارویی خاص بنماید، چنانچه بیمار یا ولی او با اعتماد به تشخیص پزشک اقدام به درمان خویش نماید، طبیب ضامن نخواهد بود. زیرا بیمار خود با اراده و اختیار اقدام کرده و مجرد توصیف اثر دارو موجب استناد به تخلف پزشک نمی‌باشد (۷). اما اگر پزشک با «امر و دستور» به اقدامات درمانی سبب جنایت بر بیمار شود، بدون آن که ضمان وی متوقف بر احراز تعدی و تفریط باشد، مسئول قلمداد می‌گردد. بدیهی است مسئولیت پزشک در صورتی است که جنایت واقع شده از نفس درمان یا در اثر عملیات درمان ناشی شده باشد. پس اگر عمل پزشک در وقوع جنایت مؤثر نبوده، بلکه جنایت از عملی دیگر مانند سرایت بیماری یا جرح نشأت گرفته باشد، اصولاً پزشک مرتکب هیچ جنایتی نشده است تا ضامن شناخته شود. حقوقدانان اسلامی همچنین درباره مسئولیت صدمات ناشی از ختنه بوسیله پزشک اختلاف نظر دارند؛ بعضی بر این باورند که ختنه کردن نیز مانند دیگر اقدامات طبیب چنانچه به جنایت منتهی شود موجب مسئولیت خواهد بود. اگر چه طبیب در عملیات خود مرتکب تعدی و تفریط نشده باشد (۷).

گروه‌های دیگر معتقدند اگر ختنه کننده از مقدار لازم تجاوز کرده باشد، مسئول صدمات وارده خواهد بود. در غیر این صورت برخلاف معالجات و اقدامات دیگر پزشکی که در هر حال طبیب ضامن شمرده می شود در این جا مسئولیت نخواهد داشت (۶).

بنابراین اگر بدون آن که تعدی و تفریط کرده باشد بعد از اقدام به ختنه، کودک آسیب ببیند طبیب ضامن نخواهد بود (۶). امام خمینی می فرمایند: «ختنه کردن اگر از حد آن تجاوز نماید، ضامن است اگرچه با مهارت باشد و ضامن بودن او در صورتی است که از آن تجاوز ننماید مثل این که اصل ختنه شدن به بچه ضرر برساند و بمیرد اشکال است که اظهر ضامن نبودن اوست» (۸). لازم به ذکر است که مسئولیت پزشک درخصوص صدمات ناشی از درمان منحصر به اقدامات پزشک نبوده و شامل معالجاتی که بوسیله دامپزشک صورت می گیرد نیز خواهد بود. علاوه بر حقوقدانان اسلامی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز موضوع مسئولیت پزشک مورد اشاره قرار گرفته است. مطابق بند ج ماده ۱۵۸ این قانون، در جریان اقدامات درمانی و معالجات طبی هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود و موجب جنایت گردد قابل مجازات نیست. این ماده در مقام بیان شرایط جواز تصرف در نفس دیگران به عنوان معالجه و درمان بوده و نفس فعل طبابت صرف نظر از نتایج احتمالی آن مورد توجه است (۹).

بنابراین عملیات جراحی و هر اقدام پزشکی دیگر که علیه بیمار صورت می گیرد فقط در صورتی که آن اقدام مشروع بوده، با اذن و رضایت بیمار یا ولی او بدون خطای جزایی انجام شود، جرم و جنایت محسوب نمی‌گردد ولی در صورت فقدان هر یک از شرایط مذکور، پزشک در برابر درمان و فعل ارتکابی ضامن خواهد بود. بنابراین اذن بیمار، منحصراً در مشروعیت فعل طبیب یعنی «معالجه» مؤثر بوده و به صدمات اتفاقی حاصل از درمان مربوط نمی شود. همچنین عمل جراحی مثل سقط جنین غیر قانونی خارج از شمول این ماده است. علاوه بر ضرورت درمان و جراحی، پزشک زمانی اقدام به عمل و درمان می‌نماید که بیمار یا ولی او یا سرپرست یا نماینده قانونی وی رضایت بدهد. و الا به فرض ضرورت درمان اگر بیمار رضایت ندهد، پزشک مجاز به معالجه و عمل نیست و در صورت اقدام ضامن است.

دیگر این که اعمال جراحی یا طبی با رعایت موازین فنی و علمی و رعایت نظامات دولتی صورت گیرد و منظور از نظامات دولتی کلیه قوانین و آیین‌نامه‌های پزشکی و دستورالعمل های وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی است. به

[DOR: 20.1001.1.15614107.1394.18.2.9.1]
[DOI: 10.22088/jbums.18.2.64]

عبارت دیگر، رابطه علیت و سببیت بین عدم رعایت نظامهای دولتی و متضرر شدن بیمار وجود دارد (۱۰). در نهایت در مواردی که بیمار در وضعیت اورژانسی بوده، قادر به تکلم نباشد، از بستگان و سرپرستان بیمار هم کسی همراه او نباشد و به تشخیص پزشک عمل جراحی هم ضروری باشد، طبق ماده مرقوم اخذ رضایت ضرورت نخواهد داشت (۱۱).

البته باید توجه داشت اولا، سن اخذ اذن برای عمل جراحی در مورد خانم ها یا آقایان و همچنین سن لازم برای تحصیل برائت از آنها ۱۸ سال تمام است. ثانیا، اخذ اذن برای جراحی و تحصیل برائت از خسارت جانی و مالی و نقص عضو برای اطفال و محجورینی که حجر آنها متصل به صغر باشد، از ولی قهری (پدر و جد پدری و یا وصی منصوب از طرف آنها) و در مورد ایتام تا ۱۸ سال تمام و محجورینی که حجر آنها متصل به صغر آنها نباشد، از قیم و در خصوص معلولین مشمول قانون جامع حمایت از معلولین مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۷ تا زمانیکه توسط دادگاه برای آنها نصب قیم نشده است، از سازمان بهزیستی لازم است (۱۲). در بند ج ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به اخذ برائت اشاره ای نشده و لازم نیست و تنها در صورت تعدی و تفریط یا قصور و تقصیر پزشک، به موجب تبصره یک ماده ۴۹۵ و ماده ۴۹۶ این قانون می‌توان گفت پزشک ضامن است، در حالیکه وفق ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی سابق اگر برائت در موارد غیر فوری اخذ نشده بود، حتی در صورت فقدان تقصیر پزشک وی ضامن می باشد. همچنین در قانون جدید در صورت قصد احسان و کمک به بیمار از سوی پزشک اگر عمل وی موجب خسارت یا صدمه شود، در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی وی ضامن نیست.

مطابق ماده ۴۹۵ قانون جدید مجازات اسلامی قانونگذار فرض تقصیر را برای پزشک پذیرفته است بدین صورت که پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد اگر منتهی به صدمه به بیمار شود مسئول خواهد بود مگراینکه ثابت کند تقصیر نکرده یا اینکه قبل از عملیات پزشکی از بیمار برائت اخذ کرده باشد (۱۳). البته در این موارد پزشک از مسئولیت معاف نمی‌شود بلکه بار اثبات تقصیر جابجا می‌شود بدین صورت که در این موارد بیمار باید تقصیر پزشک را ثابت کند تا بتواند او را مسئول بشناسد درغیراینصورت مسئولیتی متوجه پزشک نمی‌باشد (۱۴).

بحث و نتیجه گیری

برخی از فقهای اسلامی طبابت هایی که امروزه به نحو متعارف و با نسخه نویسی صورت می‌گیرد را از مصادیق دستور به معالجه قلمداد کرده‌اند و در این موارد قائل به مسئولیت پزشک می‌باشند؛ از جمله امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «پزشک اگر خودش بدون واسطه معالجه نماید، ضامن است بلکه اگر طبق متعارف طبابت کند بعید نیست که ضامن باشد اگرچه مباشرت نکند ولی اگر فلان دارو را تعریف کند و بگوید برای فلان بیماری منفعت دارد یا بگوید: داروی تو این است بدون آن که به او دستور آشامیدن آن را بدهد، اقوی آن است که ضامن نیست. زیرا جنایت عرفاً به فعل پزشک اسناد داده می شود اگر چه خود پزشک در آن مباشرت نکرده است».

در خصوص مسولیت پزشک و میزان آن، همواره نظرات متعددی وجود داشته است که قانونگذار در اخرین اراده خود تعهد پزشک را از نوع تعهد به وسیله فرض کرده است و در صورت عدم احراز تقصیر مسولیتی متوجه وی نمی باشد. با توجه به دیدگاه فقها و بررسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در باب ضرورت اخذ رضایت و برائت درخصوص مسئولیت پزشکان چهار حالت وجود دارد:

۱- پزشک از بیمار یا ولی یا نماینده قانونی او هم رضایت و هم برائت اخذ کرده باشد: در این مورد پزشک فاقد مسئولیت کیفری به علت نداشتن عنصر تقصیر و مسئولیت مدنی است.

۲- پزشک از بیمار، ولی یا نماینده قانونی او فقط رضایت کسب کرده باشد: در این مورد پزشک فقط از مسئولیت کیفری مبراست ولی از نظر مدنی ضامن است. اذن در معالجه همان گونه که قبلاً ذکر شد اذن در اتلاف نیست و بیمار صرفاً اجازه درمان و معالجه را داده است، نه اجازه فوت، خسارت و نقص عضو.

۳- اگر پزشک از بیمار، ولی یا نماینده قانونی او رضایت اخذ نکرده باشد (شرط اصلی برای مشروعیت معالجه است): در این مورد پزشک ضامن است و در صورت اخذ برائت علمی و فنی و عدم تقصیر و بی مبالاتی و سهل‌انگاری از مسئولیت مدنی مبراست.

۴- در صورتیکه پزشک از بیمار، ولی یا نماینده قانونی او رضایت و برائت اخذ نکرده باشد: در این حالت پزشک به موجب قانون مجازات اسلامی ضامن است.

[DOR: 20.1001.1.15614107.1394.18.2.9.1]
[DOI: 10.22088/jbums.18.2.64]

Physician Responsibility from the Perspective of Islamic Jurisprudence in Iran

S.M. Ahmadi (PhD)[1], M. Meskar (MA)*[2], M. Nargesian (MA)[3]

1.Department of Jurisprudence and Foundation of Islamic law, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, I.R.Iran
2.Department of Private Law, Shahid Beheshti University, Tehran, I.R.Iran
3.Department of Criminal Law, Kharazmi University, Tehran, I.R.Iran

J Babol Univ Med Sci; 18(2); Feb 2016; PP:64-8
Received: Aug 2th 2015, Revised: Sep 28th 2015, Accepted: Jan 6th 2016.

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVE: Life is the ultimate divine blessing, and medicine seeks to save the lives of individuals in danger. Despite the efforts of physicians, some medical interventions may lead to morbidity and mortality in the patients. Physician responsibility has been a matter of debate among lawyers and jurists. This study aimed to evaluate physician responsibility and effect of consent and presumption of physician innocence on the treatment of patients.

METHODS: In this qualitative study, viewpoints of lawyers and jurists regarding physician responsibility and effect of consent on medical interventions were reviewed using a library method.

FINDINGS: Based on the consensus of Islamic jurists, the physician will be liable in case of failure in the treatment or diagnosis of patients. However, if informed consent is obtained from patients, and standard medical interventions incidentally lead to death, the physician is not held accountable. According to the latest version of the Islamic Penal Code (2013), if a physician performs a standard medical procedure with the permission of patients or their legal representatives, s/he will not be held accountable for possible damages, except for the cases where medical malpractice is involved.

CONCLUSION: According to the results of this study, obtaining informed consent from the patients or their legal representatives dismisses physician liability. Therefore, guaranteed treatment of patients is considered as the conditional commitment of physicians. If medical malpractice is confirmed, the physician must be held accountable.

KEY WORDS: *Physician responsibility, Presumption of innocence, Islamic Penal Code, Malpractice, Patient satisfaction.*

Please cite this article as follows:

Ahmadi SM, Meskar M, Nargesian M. Physician Responsibility from the Perspective of Islamic Jurisprudence in Iran. J Babol Univ Med Sci. 2016;18(2):64-8.

***Corresponding Author: M.Meskar (MA)**
Address: Shahid Beheshti University, Velenjak, Tehran, I.R.Iran.
Tel: +98 21 29908008
E-mail: mohammadmeskar@yahoo.com

[DOR: 20.1001.1.15614107.1394.18.2.9.1]
[DOI: 10.22088/jbums.18.2.64]

References

1.Hekmat S. Legal medicine. Tehran:Natil Univ Iran;1982. P. 45. [In Persian]
2.Emami H. Civil law. Tehran:Dar-Al-kotob Al-Eslamieh Pub;2007. p:317. [In Persian]
3.Jafari Langroudi M. Legal terminology. Tehran:Ganj-e-danesh Lib;2011.p.23-7. [In Persian]
4.Tajmiri A. Civil law. Tehran:Afarineh Pub;1996.p.75. [In Persian]
5.Ibn Idris M. Al-Sara'er al-havi le-tahrir al-fatavi, vol 3. Qom:Instit of Islamic Cult; 1990. p.338-73. [In Persian]
6.Ameli Z. The beautiful garden in interpreting the damscene glitter (ar-rawda-l-bahiyah fi sharh allam'a-d-dimashqiya), vol 2. Qom:Instit of Islamic Cult;1993. p. 391-498. [In Persian]
7.Najafi M. Jawahir al-Kalam, vol 42. Beirut: Dar ihya al turath al arabi;1984. P. 49-71.
8.Mousavi Khomeini R. Tahrir al-wasilah, vol 2. Qom: Instit of Islamic Cult;2004. P. 509. [In Persian]
9.Shams Nateri ME, Kalantari HR, Zare E, Riazat Z. Islamic penal code in current legal order, vol 1. Mizan Legal Foundation;2014. p. 414. [In Persian]
10.Goudarzi F. Medical jurisprudence. Tehran: Einstein Pub;1991. p. 31. [In Persian]
11.Yadollahpour MH, Yousefi A. The phenomenon of brain death in Jurisprudence and Law scale. J Babol Univ Med Sci.2013;16(12):76-9.[In Persian]
12.Parsapour M, Parsapour A, Esmaeilabadi A. Physician fault and its effect on physicians liability. Q Ethics Sci Technol. 2007;(1):23. [in Persian]
13.Safai H. Basis of civil liability of physicians with a glance at the new bill for islamic penal code. Judicial Law Views Q. 2012;17(58):148-9. [In Persian]
14.Marashi shoushtari M. Description of qisas and haad code. Tehran;1986.p.71. [In Persian]
15.Islamic Penal Code of Iran 2013.
16.Janipour M, Abbasi M. Study of absolute liability in criminal law and Islamic jurisprudence with regard to physician liability. Islamic Law Jurisprud Rev. 2013;3(6): 25. [In Persian]

[DOR: 20.1001.1.15614107.1394.18.2.9.1]
[DOI: 10.22088/jbums.18.2.64]